

مشخصات پایان نامه / رساله:

۱. مرکز دریافت کننده:

۲. عنوان فارسی:

اثر بخشی راهکار های علوم عصاب شناختی، در ترک اعتیاد و افزایش سلامت روان بر معتادان در حال بهبود

۳. عنوان انگلیسی:

The effectiveness of cognitive neuroscience approaches in addiction recovery and the enhancement of mental health in recovering addicts.

۴. مقطع:

۵. شماره دانشجویی:

اطلاعات پایان نامه / رساله:

۱. تعداد کل واحد پایان نامه / رساله

۲. بیان مساله اساسی تحقیق به طور کلی (شامل تشریح مساله و معرفی آن، بیان

جنبه های مجهول و مبهم، بیان متغیرهای مربوطه و منظور از تحقیق)

امروزه، اعتیاد به عنوان یکی از چالش های جدی بهداشت عمومی و روانی در سطح جهانی شناخته می شود که نه تنها بر فرد معتاد، بلکه بر خانواده ها و جامعه نیز تأثیرات منفی فراوانی دارد. با توجه به پیچیدگی های روانی، عصبی و اجتماعی این اختلال، بسیاری از درمان های سنتی که بر پایه روش های دارویی و روانشناختی متمرکز هستند، ممکن است در برخی موارد موفقیت آمیز نباشند. بنابراین، جلب توجه محققان به راهکارهای نوین درمانی به ویژه

در حوزه علوم عصاب شناختی، در سال‌های اخیر افزایش یافته است. این شاخه از علوم، که به بررسی روابط پیچیده میان فعالیت‌های مغزی و رفتارهای شناختی انسان می‌پردازد، می‌تواند مسیرهای جدیدی را برای درمان اعتیاد و بهبود سلامت روانی ارائه دهد. مطالعات اخیر نشان می‌دهند که درمان‌های مبتنی بر علوم عصاب شناختی مانند درمان‌های شناختی-رفتاری (CBT)، تحریک مغزی و تکنیک‌های آموزشی عصبی می‌توانند در کاهش علائم وابستگی به مواد و ارتقاء وضعیت روانی معتادان در حال بهبود بسیار مؤثر باشند (بیانی و همکاران، ۱۴۰۱). این روش‌ها با هدف اصلاح الگوهای شناختی منفی و بهبود توانمندی‌های روانی فرد، به کاهش نیاز به مصرف مواد مخدر و تقویت مهارت‌های مقابله‌ای در مواجهه با استرس و بحران‌های روانی کمک می‌کنند. در این راستا، تحقیقات جدید تأکید دارند که ترکیب درمان‌های شناختی و عصبی می‌تواند نتایج بهتری نسبت به روش‌های درمانی سنتی ارائه دهد (غیائی و همکاران، ۱۴۰۰). با این حال، علی‌رغم پیشرفت‌های انجام‌شده، بسیاری از جنبه‌های این رویکردها همچنان نیاز به پژوهش‌های بیشتری دارند تا اثربخشی آن‌ها در درمان اعتیاد و ارتقاء سلامت روانی معتادان به‌طور جامع‌تر و در شرایط مختلف بررسی شود. به ویژه اینکه، عواملی همچون ویژگی‌های فردی، محیطی و نوع اعتیاد می‌توانند بر تأثیرگذاری این روش‌ها تأثیرگذار باشند. تحقیقات اخیر در حوزه علوم عصاب شناختی و کاربرد آن در ترک اعتیاد و بهبود سلامت روان، با وجود پیشرفت‌های قابل توجه، با چالش‌ها و شکاف‌های متعددی روبرو است. یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها، نبود مطالعات طولی‌مدت برای ارزیابی اثرات بلندمدت مداخلات عصاب شناختی بر بهبودی معتادان است. بیشتر پژوهش‌های موجود بر نتایج کوتاه‌مدت متمرکز شده‌اند و این امر باعث شده است که درک جامعی از پایداری تغییرات ایجاد شده در مغز و رفتار افراد در حال بهبودی فراهم نشود (پاکزاد و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین، تنوع روش‌های عصاب شناختی مورد استفاده، از جمله نوروفیدبک، تحریک مغزی (مانند تحریک مغناطیسی فراجمعه‌ای یا TMS)، تمرینات شناختی، توانبخشی عصبی و بازآموزی شناختی، باعث شده است که مقایسه نتایج بین مطالعات مختلف پیچیده و دشوار باشد. هر یک از این روش‌ها دارای مکانیسم‌های اثر متفاوتی هستند و در گروه‌های مختلف بیماران ممکن است نتایج متفاوتی ایجاد کنند. علاوه بر این، میزان دوز درمانی، تعداد جلسات، نوع دستگاه‌های مورد استفاده، و ویژگی‌های فردی شرکت‌کنندگان نیز متغیر بوده و باعث ناهمگونی در پروتکل‌های درمانی می‌شود. این ناهمگونی نه تنها بر قابلیت تکرارپذیری نتایج تأثیر می‌گذارد، بلکه استانداردسازی مداخلات را نیز دشوار می‌کند. عدم وجود یک چارچوب استاندارد و مشخص برای اجرای این روش‌ها، تعمیم‌پذیری یافته‌های پژوهشی را به بیماران و گروه‌های مختلف با چالش مواجه ساخته است. از سوی دیگر، بسیاری از مطالعات انجام‌شده فاقد پیگیری‌های طولانی‌مدت برای ارزیابی پایداری نتایج هستند، که این امر می‌تواند درک دقیق‌تری از دوام تأثیرات درمانی و میزان بازگشت‌پذیری علائم اعتیاد و مشکلات روانی را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، نیاز به تحقیقات گسترده‌تر برای ایجاد پروتکل‌های درمانی

یکپارچه و استاندارد، بررسی اثرات بلندمدت روش‌های علوم عصاب شناختی و مقایسه نظام‌مند روش‌های مختلف درمانی بیش از پیش احساس می‌شود. ایجاد یک راهبرد درمانی هماهنگ و مبتنی بر شواهد علمی می‌تواند به افزایش کارآمدی و اثربخشی این روش‌ها در ترک اعتیاد و بهبود سلامت روان افراد در حال بهبود کمک کند. (جیلانچی و همکاران، ۱۴۰۱). علاوه بر این، بسیاری از مطالعات از نمونه‌های کوچک و غیرنماینده استفاده کرده‌اند، که این امر توانایی تعمیم نتایج به جمعیت‌های گسترده‌تر را محدود می‌کند. همچنین، ادغام علوم عصاب شناختی با سایر روش‌های درمانی، مانند درمان‌های دارویی و روان‌درمانی، نیاز به بررسی بیشتری دارد تا بتوان به رویکردهای جامع‌تر و شخصی‌سازی شده‌تری دست یافت. بنابراین، این تحقیق دنبال آن است تا به "اثر بخشی راهکارهای علوم عصاب شناختی، در ترک اعتیاد و افزایش سلامت روان بر معتادان در حال بهبود." بپردازد.

۳. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

اعتیاد به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و مخرب‌ترین معضلات جامعه امروزی، نه تنها سلامت جسمی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه تأثیرات عمیقی بر سلامت روان و عملکرد شناختی آن‌ها دارد. با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در حوزه درمان اعتیاد، نرخ بازگشت به مصرف مواد همچنان بالا است، که نشان‌دهنده نیاز مبرم به توسعه و به‌کارگیری روش‌های درمانی نوین و مؤثر است. علوم عصاب شناختی به عنوان یکی از حوزه‌های پیشرو در علوم اعصاب، با تمرکز بر مکانیسم‌های مغزی مرتبط با اعتیاد، پتانسیل بالایی برای ارائه راهکارهای درمانی مبتنی بر شواهد دارد. این حوزه با بررسی تغییرات عصبی ناشی از اعتیاد و ارائه مداخلات هدفمند، می‌تواند به بهبود عملکرد شناختی، کاهش علائم وسوسه و افزایش سلامت روان در افراد در حال بهبودی کمک کند (قنایان و همکاران، ۱۴۰۲). اهمیت این تحقیق از آنجا نشأت می‌گیرد که اعتیاد نه تنها یک مشکل فردی، بلکه یک چالش اجتماعی است که هزینه‌های اقتصادی، بهداشتی و روانی سنگینی بر جامعه تحمیل می‌کند. از سوی دیگر، سلامت روان معتادان در حال بهبود به عنوان یکی از عوامل کلیدی در پیشگیری از بازگشت به مصرف مواد، نیازمند توجه ویژه است. با این حال، تحقیقات موجود در این حوزه هنوز به اندازه کافی به بررسی اثرات بلندمدت و جامع راهکارهای عصاب شناختی نپرداخته‌اند. این تحقیق با هدف پر کردن این شکاف‌ها، می‌تواند به توسعه روش‌های درمانی مؤثرتر و شخصی‌سازی شده کمک کند و در نهایت، بهبود کیفیت زندگی افراد در حال بهبودی و کاهش

بار اجتماعی ناشی از اعتیاد را به همراه داشته باشد. بنابراین، انجام این تحقیق نه تنها از نظر علمی ارزشمند است، بلکه از جنبه اجتماعی و بهداشتی نیز ضرورت دارد.

۴. مرور ادبیات و سوابق مربوطه (بیان مختصر پیشینه تحقیقات انجام شده در داخل و خارج کشور پیرامون موضوع تحقیق و نتایج آنها و مرور ادبیات و چارچوب نظری تحقیق)

سوابق و پیشینه داخلی

قاسمی جونیانی و همکاران در سال ۱۴۰۲ در تحقیقی تحت عنوان "اثربخشی شفقت درمانی بر میزان سلامت عمومی و هوش هیجانی معتادان در حال ترک در کمپ شهرکرد" بیان داشتند که اعتیاد به مواد مخدر، چندیابی یا چندعاملی است و عوامل مختلف روانی، اجتماعی، فرهنگی و ژنتیک در این زمینه دخیل است. این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی شفقت درمانی بر میزان سلامت عمومی و هوش هیجانی معتادان در حال ترک در کمپ شهرکرد انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی معتادان در حال ترک کمپ شهرکرد بوده است که تعداد ۳۰ نفر با روش نمونه‌گیری داوطلبانه به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. سپس به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره، مورد آزمایش و کنترل قرار گرفتند و گروه آزمایش در معرض مداخله قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شده و در نرم‌افزار اسپاس بررسی و تحلیل شد. نتایج نشان داد، بین گروه آزمایش که تحت مداخله شفقت درمانی قرار گرفته‌اند و گروه گواه که تحت مداخله قرار نگرفته‌اند از نظر سلامت عمومی ($p < 0.05$; $f = 0.39/40$) و از نظر هوش هیجانی ($p < 0.05$; $f = 0.23/43$) تفاوت معناداری وجود دارد.

فاضلی و همکاران در سال ۱۴۰۱ در تحقیقی تحت عنوان "اثربخشی روایت درمانی بر سرمایه روان شناختی و حس انسجام همسران افراد در حال ترک اعتیاد" بیان داشتند که هدف از پژوهش حاضر تعیین اثربخشی روایت درمانی بر سرمایه روان شناختی و حس انسجام همسران افراد در حال ترک اعتیاد بود. این پژوهش یک مطالعه از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه گواه و پیگیری بود. جامعه آماری پژوهش شامل همسران افراد در حال ترک اعتیاد در شهر تهران در سال ۱۳۹۷ بود. از این بین ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. شرکت کنندگان هر دو گروه پرسشنامه‌های سرمایه روان شناختی و حس انسجام را در پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری تکمیل کردند. گروه آزمایش ۸ جلسه مداخله روایت درمانی شرکت کردند و پس از اتمام جلسات درمانی، افراد هر دو گروه تحت انجام پس آزمون قرار گرفتند. پس از دو ماه آزمون پیگیری نیز صورت پذیرفت. داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر مختلط تحلیل شدند. نتایج نشان داد که روایت درمانی بر بهبود سرمایه روان شناختی

و حس انسجام در همسران افراد در حال ترک اعتیاد تاثیر معناداری داشته است. روایت درمانی نقش مهمی در سرمایه روانی و احساس انسجام همسران افراد در حال ترک اعتیاد و برقراری روابط مناسب خانوادگی دارد. همچنین، از این روش می توان جهت افزایش سلامت روان همسران افراد در حال ترک اعتیاد بهره جست.

باقری نیا و همکاران در سال ۱۴۰۱ در تحقیقی تحت عنوان " تعیین اثربخشی درمان حل مسئله مدار (راه حل محور) بر ابعاد معنوی، شناختی، رفتاری و هیجانی سلامت روان شناختی معتادان " بیان داشتند که اعتیاد به دلیل ماهیت پیش رونده اش در همه ابعاد زندگی، سلامت افراد را به خطر انداخته و آثار سوء آن به وضوح بر سلامت شناختی، رفتاری، هیجانی و معنوی فرد قابل مشاهده است. از این رو، هدف مطالعه حاضر تعیین اثربخشی درمان مسیله مدار (راه حل محور) بر ابعاد معنوی، شناختی، رفتاری و هیجانی سلامت روان شناختی معتادان بود. پژوهش حاضر نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون-پس آزمون با گروه گواه است. جامعه آماری شامل تمامی معتادان مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد منطقه سه شهر تهران در شش ماه نخست سال ۱۴۰۰ بود که از میان آنان (۴۲۰ نفر)، ۴۰ نفر از افراد واجد شرایط که داوطلب همکاری در پژوهش بودند، به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و به طور تصادفی در گروه های آزمایش و گواه قرار گرفتند. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل پرسش نامه محقق ساخته سلامت روان شناختی بود. جلسات درمان راه حل مدار برای گروه آزمایش طی هشت جلسه در طول دو ماه برگزار شد اما گروه گواه در فهرست انتظار بودند. جهت تحلیل داده ها از آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیری استفاده شد. در این پژوهش همه موارد اخلاقی رعایت شده است و مولفان مقاله تضاد منافی گزارش نکرده اند. نتایج نشان داد که بین ابعاد معنوی، شناختی، رفتاری و هیجانی سلامت روان شناختی معتادان در گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه تفاوت معنی داری وجود داشت ($P < 0/01$) بر اساس یافته ها می توان گفت که درمان راه حل مدار موجب بهبود ابعاد سلامت روان شناختی (معنوی، شناختی، رفتاری و هیجانی) معتادان شد. بنابراین، می تواند به عنوان روش های مداخله ای موثری برای ارتقای سلامت روان شناختی معتادان به کار برود.

منصوره جربان و همکاران در سال ۱۴۰۱ در تحقیقی تحت عنوان " قایسه سلامت روان در دو گروه ترک اعتیاد به شیوه خودیاری و متادون درمانی " بیان داشتند که ... توجه به سلامت روانی معتادان در حین ترک اعتیاد موضوعی مهم و با ارزش برای توفیق در ترک اعتیاد به شمار می رود. هدف کلی این پژوهش مقایسه مولفه های سلامت روانی معتادان ان ای (Na) و معتادان تحت درمان با متادون در شهر تهران می باشد. جامعه آماری شامل کلیه افرادی هستند که در مراکز ترک اعتیاد تحت حمایت بهزیستی شهر تهران که جهت درمان مراجعه کرده اند و نیز معتادان شرکت کننده در جلسات معتادان ان ای (Na) که دوره ۳ ماهه از شروع درمان گذشته است می

باشد. نمونه گیری به روش در دسترس و از میان دو گروه فوق بوده و تعداد ۵۰ نفر از هر گروه انتخاب گردیدند. در این پژوهش پرسشنامه سلامت روانی کیز (۲۰۰۲) برای ارزیابی متغیرهای مورد بررسی، استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد که میزان سلامت روانی کلی و مولفه های آن در معتادان ان ای (Na) بیشتر از افراد تحت درمان با متادون می باشد. مطابق نتایج به دست آمده به نظر می رسد از بین روش های درمانی بکار گرفته شده برای ترک اعتیاد به مواد مخدر اگر در کنار دارودرمانی مشاوره و درمان های گروهی به صورت نظامند و منظم استفاده شود امکان موفقیت در درمان بیشتر و امکان لغزش و بازگشت به مصرف دوباره در افراد در حال ترک مواد مخدر کاهش می یابد. پیشنهاد می شود در حین درمان ترک اعتیاد به مسیله سلامت روان افراد معتاد بیشتر توجه شود و همچنین با کمک خانواده های معتادان در حال ترک می توان به سلامت روانی آن ها توجه بیشتری کرد تا اثربخشی ترک اعتیاد در این افراد افزایش یابد.

کافی هرناشکی، و همکاران در سال ۱۴۰۰ در تحقیقی تحت عنوان " ترکیب مداخلات روان درمانی پویشی فشرده کوتاه مدت و روش دوازده قدم در کاهش مکانیسم دفاعی انکار در معتادان در حال بهبودی استان تهران" بیان داشتند که این مطالعه با هدف بررسی ترکیب مداخلات روان درمانی پویشی فشرده کوتاه مدت و روش دوازده قدم در کاهش مکانیسم دفاعی انکار در معتادان در حال بهبودی استان تهران صورت گرفته است. طرح پژوهش نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه معتادین در حال بهبودی استان تهران در سال ۱۳۹۹ تشکیل می دادند که از میان آن ها ۵۸ نفر به شیوه نمونه گیری غیر تصادفی هدفمند انتخاب و به دو گروه آزمایش (۳۰ نفر) و گروه گواه (۲۸ نفر) گمارده شدند. ابزار پژوهش حاضر پرسشنامه سبک های دفاعی (DSQ) (آندروز و همکاران، ۱۹۹۳) بود. گروه مداخله، روان درمانی را در طی ۱۰ جلسه به شیوه هفتگی ۶۰ دقیقه ای در کنار برگزاری جلسات دوازده قدم دریافت کردند و گروه گواه، مداخله ای دریافت نکرد. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیره نشان داد که بین نمرات مکانیسم دفاعی انکار گروه آزمایش و گروه گواه در مرحله پس آزمون تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0.05$). افراد گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه در مرحله پس آزمون نمرات بهتری را نسبت به گروه گواه کسب کردند. بر اساس یافته های این پژوهش، روان درمانی پویشی

فشرده کوتاه مدت و روش دوازده قدم به عنوان گزینه مناسبی جهت کاهش مکانیسم دفاعی انکار معتادان در حال بهبودی باشد.

سوابق و پیشینه خارجی

فریدی و همکاران در سال ۲۰۲۴ در تحقیقی تحت عنوان "تحلیل مقایسه‌ای نئوریدینگ امتیاز لورتا^۱ و توانبخشی شناختی بر کیفیت زندگی و مهار پاسخ در افراد مبتلا به اعتیاد به مواد اپیوئیدی" بیان داشتند که مطالعات پیشین نشان داده‌اند که نوروفیدبک سنتی و توانبخشی شناختی می‌توانند نتایج روانشناختی افراد مبتلا به اختلالات مصرف اپیوئیدی را بهبود بخشند. با این حال، اثربخشی نوروفیدبک امتیاز **Z LORETA (LZNFB)** و آموزش اصلاح تعصب توجه بر کیفیت زندگی و مهار پاسخ در این افراد هنوز بررسی نشده است **LZNFB**. ساختارهای عمیق‌تر مغزی را با دقت بالاتری هدف قرار می‌دهد، در حالی که نوروفیدبک سنتی معمولاً بر فعالیت سطحی **EEG** تمرکز دارد. هدف مطالعه حاضر مقایسه اثر این دو روش بر کیفیت زندگی و مهار پاسخ در مردان مبتلا به اختلال مصرف اپیوئید تحت درمان نگهدارنده متادون (**MMT**) است. در این کارآزمایی بالینی تصادفی با پیش‌آزمون، پس‌آزمون و طراحی پیگیری، ۳۰ مرد مبتلا به اختلال مصرف اپیوئید تحت **MMT** به‌طور تصادفی به سه گروه **LZNFB**، آموزش اصلاح تعصب توجه، و کنترل (فقط **MMT**) تقسیم شدند. گروه‌های **LZNFB** و توانبخشی شناختی به ترتیب ۲۰ و ۱۵ جلسه درمان دریافت کردند. نسخه فارسی پرسشنامه کیفیت زندگی **WHO-BREF** و آزمون **Go/No-Go** قبل از شروع درمان، بلافاصله پس از آن و یک ماه بعد توسط شرکت‌کنندگان تکمیل شد. داده‌های جمع‌آوری‌شده در نرم‌افزار **SPSS v. ۲۲** تجزیه و تحلیل شد. هر دو گروه مداخله‌ای به‌طور معناداری در امتیاز کیفیت زندگی بهبود نشان دادند و زمان پاسخ در مرحله پس‌آزمون به‌طور معناداری کاهش یافت. $P < 0.05$)، به‌طوری که گروه **LZNFB** در بهبود کیفیت زندگی و کاهش مهار پاسخ بیشتر از گروه دیگر پیشرفت داشت. پس از یک ماه، افزایش کیفیت زندگی در هر دو گروه ادامه یافت، در حالی که کاهش زمان پاسخ تنها در گروه **LZNFB** ادامه داشت. هم نوروفیدبک **LZNFB** و هم آموزش اصلاح

^۱ LORETA Z

تعصب توجه در بهبود کیفیت زندگی و مهار پاسخ مردان مبتلا به اختلال مصرف اپیوئید تحت **MMT** مؤثر هستند، با این حال، **LZNFB** اثربخشی بیشتری دارد.

ختیودا^۲ و همکاران در سال ۲۰۲۴ در تحقیقی تحت عنوان "بررسی سلامت روانی افراد در حال بهبودی از مصرف مواد در نپال" بیان داشتند که این مطالعه با هدف بررسی سلامت روان افراد نپالی در بهبودی از سوء مصرف مواد، ارتباط آن با دوره های بهبودی مواد مخدر و شناسایی عوامل پیش بینی کننده در هر دو جنس انجام شد. در مجموع ۳۵۲ شرکت کننده ۱۸ تا ۵۰ ساله با استفاده از طراحی توصیفی مقطعی و روش های کمی در نه مرکز مختلف توانبخشی در دره کاتماندو، نپال تحت ارزیابی قرار گرفتند. پرسشنامه های ساختاریافته، شامل پنج مقیاس تعیین شده. برای جمع آوری داده های مربوط به اطلاعات فردی و مصرف مواد از پرسشنامه اضطراب بک، پرسشنامه افسردگی بک، مقیاس استرس ادراک شده، عزت نفس روزنبرگ و مقیاس حمایت اجتماعی ادراک شده چندبعدی استفاده شد. تجزیه و تحلیل شامل مطالعات همبستگی، ارزیابی واریانس و تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه بود. نتایج نشان می دهد که شرکت کنندگان در طول بهبودی اضطراب، افسردگی و استرس خفیف تا متوسط را تجربه کردند و زنان در مقایسه با مردان آسیب پذیری بیشتری از خود نشان دادند. سطح عزت نفس بالاتر بود.

کاشفی و همکاران در سال ۲۰۲۳ در تحقیقی تحت عنوان "اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر امید به زندگی و تصمیم گیری معتادان در حال بهبودی" بیان داشتند که اعتیاد به مواد مخدر عواقب منفی زیادی دارد. استفاده از روش هایی که به افزایش امید به زندگی و توانایی تصمیم گیری معتادان کمک می کند، از اهمیت زیادی برخوردار است. علاوه بر روش های درمانی رایج برای درمان اعتیاد، هیچ یک از مطالعات تاکنون تأثیر درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد را در بهبود امید به زندگی و توانایی تصمیم گیری معتادان بررسی نکرده اند. مطالعه حاضر با هدف بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر امید به زندگی و توانایی تصمیم گیری در معتادان بهبود یافته انجام شد. این تحقیق یک مطالعه شبه تجربی با پیش آزمون، پس آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری مطالعه شامل معتادان در حال بهبود در یزد در سال ۱۴۰۰ بود. با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند، ۴۰ نفر

^۲ Khatiwada

انتخاب شدند و به‌طور تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل (۲۰ نفر در گروه آزمایش و ۲۰ نفر در گروه کنترل) تخصیص یافتند. برای گروه آزمایش، درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد انجام شد.

الغمدی^۳ و همکاران در سال ۲۰۲۳ در تحقیقی تحت عنوان "درمان شناختی رفتاری برای اعتیاد به مواد مخدر" بیان داشتند که اعتیاد به مواد مخدر به دنبال عواقب مخرب آن برای مصرف کنندگان و اقتصاد، یک نگرانی عمده برای سلامتی است. آمارهای کنونی نشان دهنده روند رو به افزایش سوء مصرف مواد در سراسر جهان است و تقریباً ۲۸۴ میلیون نفر درگیر سوء مصرف مواد هستند. رویکردهای مختلفی برای درمان قربانیان سوء مصرف مواد مخدر استفاده می شود. درمان شناختی رفتاری، نوعی مداخله غیردارویی، همچنین نشان داده شده است که یک گزینه درمانی موثر برای اعتیاد به مواد مخدر است. استفاده از درمان شناختی رفتاری (CBT) از دهه ۱۹۷۰ رشد کرد و به یکی از مهم ترین مدل های روان درمانی در این دهه تبدیل شد. مطالعات تجربی مختلف اثربخشی CBT را در کارآزمایی های به خوبی کنترل شده نشان داده اند. در مجموع ۱۹ کارآزمایی تصادفی (مورد) (با بیش از ۱۴۰۰ بیمار تحت درمان) انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. در موارد مختلف، نتایج نشان داد که بیماران برای اختلالات سوء مصرف مواد مخدر و مواد مخدر تحت درمان قرار می گیرند و اکثریت آن هایی هستند که حشیش، کوکائین، الکل و سایر مواد افیونی مصرف می کنند. در بیشتر موارد، تکنیک های CBT که برای اعتیاد به مواد مخدر مورد استفاده قرار می گرفت، شامل بازسازی شناختی، پیشگیری از عود و مدیریت احتمالی بود. مؤلفه های CBT برای اعتیاد به مواد مخدر شامل مهارت ها و آموزش، تقویت فعالیت های غیرمرتبط با مواد، رویکردهای مدیریت تمایلات، طرد مواد مخدر و بهبود استعداد های اجتماعی است. بازسازی شناختی بر شناسایی باورهای نادرست و تأثیرگذاری بر طرز تفکر افراد در مورد خود با حذف تفکر تحریف شده تمرکز دارد. پیشگیری از عود بر شناسایی و پیشگیری از موقعیت های پرخطری که ممکن است بیمار را به سوء مصرف مواد تحریک کند، تمرکز دارد. مدیریت اقتضایی با استفاده از پاداش ها و مشوق ها، رفتارهای مثبت را تقویت می کند و رفتارهای منفی را کاهش می دهد.

غرایبه^۴ و همکاران در سال ۲۰۲۲ در تحقیقی تحت عنوان "اثربخشی برنامه درمان شناختی-رفتاری در کاهش خطر عود معتادان در حال بهبودی" بیان داشتند که پژوهش حاضر با هدف شناسایی اثربخشی برنامه درمان شناختی-رفتاری در کاهش خطر عود معتادان در حال بهبودی انجام شد. این پژوهش با رویکرد نیمه آزمایشی انجام شد که نمونه مورد مطالعه شامل (۱۰) نفر از افراد معتاد به ماده (سلپتاگ و کانابینوئیدهای مصنوعی) بود

^۳ Alghamdi

^۴ Gharaibeh

که در مرکز ترک اعتیاد/ ارجان حضور دارند. آنها به دو گروه مساوی تقسیم شدند، یک گروه آزمایش متشکل از (۵) معتاد به مواد مخدر و یک گروه کنترل متشکل از (۵) معتاد به مواد مخدر. معیارهای ارزیابی عوامل عود معتاد علاوه بر برنامه درمانی بر روی آنها اعمال شد. علاوه بر این، این مطالعه اثربخشی این برنامه را در کاهش خطر عود برای معتادان در حال بهبودی، نمونه پژوهش نشان داد. این پژوهش نشان داد که بین رتبه های درجات دو اندازه گیری، پیش آزمون و پس آزمون، برای گروه آزمایش تفاوت آماری معنی داری وجود دارد و همچنین نشان داد که از نظر آماری تفاوت معناداری وجود ندارد .

جدول خلاصه پیشینه ها

ردیف	نام نویسنده	سال	عنوان مقاله	نتیجه گیری
۱	قاسمی جونقانی و همکاران	۱۴۰۲	اثربخشی شفقت درمانی بر میزان سلامت عمومی و هوش هیجانی معتادان در حال ترک در کمپ شهرکرد	شفقت درمانی تأثیر معناداری بر افزایش سلامت عمومی و هوش هیجانی معتادان در حال ترک داشته است.
۲	فاضلی و همکاران	۱۴۰۱	اثربخشی روایت درمانی بر سرمایه روان شناختی و حس انسجام همسران افراد در حال ترک اعتیاد	روایت درمانی به طور معناداری سرمایه روان شناختی و حس انسجام همسران افراد در حال ترک اعتیاد را بهبود داده است.
۳	باقری نیا و همکاران	۱۴۰۱	تعیین اثربخشی درمان حل مسئله مدار (راه حل محور) بر ابعاد معنوی، شناختی، رفتاری و هیجانی سلامت روان شناختی معتادان	درمان راه حل مدار به طور معناداری موجب بهبود سلامت روان شناختی (معنوی، شناختی، رفتاری و هیجانی) معتادان شده است.
۴	منصوره جربان و همکاران	۱۴۰۱	مقایسه سلامت روان در دو گروه ترک اعتیاد به شیوه خودیاری و متادون درمانی	سلامت روانی معتادان تحت درمان گروه های خودیاری (NA) نسبت به افراد تحت درمان با متادون بالاتر بوده است.
۵	کافی هرناشکی و همکاران	۱۴۰۰	ترکیب مداخلات روان درمانی پویشی فشرده کوتاه مدت و روش دوازده قدم در کاهش مکانیسم دفاعی انکار در معتادان در حال بهبودی استان تهران	ترکیب روان درمانی پویشی کوتاه مدت و روش دوازده قدم، مکانیسم دفاعی انکار را در معتادان کاهش داده است.

۶	فریدی و همکاران	۲۰۲۴	تحلیل مقایسه‌ای نتووریدینگ امتیاز لورتا و توانبخشی شناختی بر کیفیت زندگی و مهار پاسخ در افراد مبتلا به اعتیاد به مواد اپیوئیدی	نوروفیدبک LZNFB نسبت به توانبخشی شناختی در بهبود کیفیت زندگی و مهار پاسخ افراد معتاد مؤثرتر بوده است.
۷	ختیودا و همکاران	۲۰۲۴	بررسی سلامت روانی افراد در حال بهبودی از مصرف مواد در نپال	افراد در حال بهبودی از سوءمصرف مواد، سطح اضطراب، افسردگی و استرس متوسطی را تجربه کرده‌اند، و زنان آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به مردان داشته‌اند.
۸	کاشفی و همکاران	۲۰۲۳	اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر امید به زندگی و تصمیم‌گیری معتادان در حال بهبودی	درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد به‌طور معناداری امید به زندگی و توانایی تصمیم‌گیری معتادان را افزایش داده است.
۹	الغمدی و همکاران	۲۰۲۳	درمان شناختی رفتاری برای اعتیاد به مواد مخدر	درمان شناختی-رفتاری (CBT) اثربخشی بالایی در درمان سوءمصرف مواد داشته و موجب کاهش بازگشت به مصرف شده است.
۱۰	غرایبه و همکاران	۲۰۲۲	اثربخشی برنامه درمان شناختی-رفتاری در کاهش خطر عود معتادان در حال بهبودی	برنامه درمان شناختی-رفتاری به‌طور معناداری خطر عود معتادان را کاهش داده است.

۵. جنبه جدید بودن و نوآوری در تحقیق

موضوع این تحقیق بررسی اثر بخشی راهکارهای علوم عصاب شناختی در ترک اعتیاد و افزایش سلامت روان معتادان در حال بهبود است. این پژوهش از جنبه موضوعی نوآورانه است چرا که به ترکیب دو حوزه عصاب شناختی و روانشناسی درمانی در درمان اعتیاد می‌پردازد. روش تحقیقاتی آن نیز جدید است، زیرا از ترکیب درمان‌های عصبی و روانشناختی برای بررسی تأثیرات این روش‌ها استفاده می‌کند. یافته‌های تحقیق می‌تواند به درک عمیق‌تری از نحوه تأثیر علوم عصاب شناختی در کاهش اعتیاد و بهبود سلامت روانی معتادان منجر شود. تفسیر داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های پیشرفته‌ای همچون تجزیه و تحلیل نوار مغزی و تصویربرداری مغزی به دقت بیشتری از علل و نتایج درمان کمک می‌کند. این پژوهش از جنبه کاربردی نیز مؤثر است، زیرا می‌تواند

راهکارهای درمانی نوینی برای معتادان در حال بهبود ارائه دهد که بر پایه علوم عصاب شناختی استوار است و در بهبود وضعیت روانی آنها مؤثر باشد

۶. کلمات کلیدی به فارسی

علوم عصاب شناختی، ترک اعتیاد، سلامت روان

۷. کلمات کلیدی به انگلیسی

Cognitive Neuroscience، Addiction Rehabilitation، Mental Health

۸. اهداف مشخص تحقیق (شامل اهداف آرمانی، کلی، اهداف ویژه و کاربردی)

هدف اصلی:

- اثربخشی راهکارهای علوم عصاب شناختی، در ترک اعتیاد و افزایش سلامت روان بر معتادان در حال بهبود.

اهداف فرعی:

- بررسی اثربخشی راهکارهای علوم عصاب شناختی در ترک اعتیاد و شناسایی روش‌های مؤثر در این زمینه.
- بررسی اثربخشی راهکارهای علوم عصاب شناختی در بهبود سلامت روان معتادان در حال بهبود، با تأکید بر ابعاد مختلف سلامت روان مانند افسردگی، اضطراب و استرس.

۹. در صورت داشتن هدف کاربردی، نام بهره‌وران (سازمان‌ها، صنایع و یا گروه ذینفعان)

- معتادان در حال بهبود: اصلی‌ترین گروه ذینفع از این تحقیق، معتادان در حال بهبود هستند که از راهکارهای مبتنی بر علوم عصاب شناختی برای ترک اعتیاد و بهبود سلامت روان خود بهره‌مند می‌شوند.
- مراکز درمان اعتیاد: این تحقیق می‌تواند برای مراکز ترک اعتیاد و درمان‌های بهبودی مفید باشد، زیرا می‌تواند از روش‌های نوآورانه برای درمان و بازتوانی معتادان استفاده کنند و اثربخشی بیشتری در روند بهبودی مشاهده کنند.

- موسسات و سازمان‌های حمایتی روانشناسی و اجتماعی: سازمان‌هایی که به حمایت از معتادان و سلامت روان افراد در حال بهبود پرداخته و خدمات روانی و اجتماعی ارائه می‌دهند، می‌توانند از نتایج این تحقیق برای ارتقاء کیفیت خدمات خود و معرفی روش‌های درمانی جدید استفاده کنند.
- کارشناسان و درمانگران حوزه روانشناسی و علوم اعصاب: درمانگران و مشاوران روانشناسی، به‌ویژه آنهایی که در زمینه درمان اعتیاد و سلامت روان فعالیت می‌کنند، می‌توانند از روش‌های جدید ارائه‌شده در این تحقیق برای درمان به‌طور خاص به بیماران اعتیادی بهره‌برداری کنند.
- سازمان‌های دولتی و غیردولتی در حوزه بهداشت و درمان: وزارت بهداشت، سازمان‌های دولتی و غیردولتی مرتبط با درمان اعتیاد، سلامت روان و خدمات بهداشتی می‌توانند نتایج این تحقیق را برای بهبود سیاست‌گذاری‌های درمانی و روانی به کار بگیرند.
- نهادهای علمی و دانشگاهی: این تحقیق برای محققان و اساتید دانشگاهی در حوزه‌های روانشناسی، علوم اعصاب و اعتیاد می‌تواند ابزاری برای توسعه پژوهش‌های بیشتر و کاربردی باشد.
- صنایع و شرکت‌های فعال در فناوری‌های درمانی و پزشکی: شرکت‌های فعال در زمینه تجهیزات پزشکی، نرم‌افزارهای درمانی و فناوری‌های نوین سلامت روان می‌توانند از نتایج تحقیق برای طراحی و توسعه روش‌ها و دستگاه‌های درمانی استفاده کنند.

۱۰. سوال های تحقیق

سوال اصلی:

- چگونه راهکارهای علوم عصاب شناختی در ترک اعتیاد و افزایش سلامت روان بر معتادان در حال بهبود اثرگذارند؟

سوالات فرعی:

- کدام روش‌های مؤثر از راهکارهای علوم عصاب شناختی می‌توانند در ترک اعتیاد مؤثر باشند؟

- چگونه راهکارهای علوم عصاب شناختی می‌توانند به بهبود سلامت روان معتادان در حال بهبود کمک کنند، به‌ویژه در ابعاد افسردگی، اضطراب و استرس؟

۱۱. فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی:

- راهکار های علوم عصاب شناختی، در ترک اعتیاد و افزایش سلامت روان بر معتادان در حال بهبود، اثر بخش است.

فرضیات فرعی:

- راهکار های علوم عصاب شناختی در ترک اعتیاد، اثر بخش است
- راهکار های علوم عصاب شناختی در افزایش سلامت روان بر معتادان در حال بهبود، اثر بخش است.

۱۲. تعاریف مفهومی و عملیاتی

تعاریف مفهومی:

- علوم عصاب شناختی: این حوزه به بررسی فرآیندهای ذهنی مانند تفکر، یادگیری، حافظه، ادراک و تصمیم‌گیری در ارتباط با ساختارهای عصبی مغز می‌پردازد. در این رویکرد، هدف تحلیل نحوه تعامل مغز و شناخت فردی برای درک بهتر و بهبود رفتارها، عواطف و توانمندی‌های شناختی است.
- ترک اعتیاد: به فرآیند فیزیکی، روانی و اجتماعی گفته می‌شود که در آن فرد از وابستگی به مواد مخدر یا رفتارهای اعتیادآور رهایی می‌یابد. این فرآیند شامل مراحل مختلفی از جمله تشخیص، درمان، بازتوانی و پیشگیری از بازگشت به اعتیاد است.

- سلامت روان: به وضعیت کلی عاطفی و روانی یک فرد اطلاق می‌شود که شامل توانایی‌های فرد برای کنار آمدن با استرس‌ها، برقراری روابط مثبت با دیگران، انجام فعالیت‌های روزمره و احساس رضایت از زندگی است. سلامت روان به معنای تعادل در ابعاد فکری، عاطفی و اجتماعی فرد است که بر کیفیت زندگی تاثیر می‌گذارد.

تعاریف عملیاتی:

- علوم عصاب شناختی:

در این مطالعه، علوم عصاب شناختی به مجموعه‌ای از روش‌های درمانی مبتنی بر عملکردهای مغزی و شناختی اطلاق می‌شود که شامل نوروفیدبک، تحریک مغناطیسی مغز (TMS)، توانبخشی شناختی، و بازآموزی شناختی هستند. این روش‌ها برای ارزیابی و بهبود کنترل شناختی، عملکردهای اجرایی، و تنظیم هیجانی افراد معتاد در حال بهبود به کار گرفته می‌شوند.

- ترک اعتیاد:

منظور از ترک اعتیاد در این پژوهش، نمره ی کسب شده از مصاحبه ی شاخص درمان مواد افیونی (OTI) می باشد.

- سلامت روان:

منظور از سلامت روان در این پژوهش، نمره ی کسب شده از پرسشنامه ی سلامت عمومی می باشد.

روش کار:

۱. شرح کامل روش تحقیق بر حسب هدف، نوع داده‌ها و نحوه اجراء (شامل مواد، تجهیزات و

استانداردهای مورد استفاده در قالب مراحل اجرایی تحقیق به تفکیک ((تذکر: درخصوص تفکیک مراحل اجرایی تحقیق و توضیح آن، از به کار بردن عناوین کلی نظیر، «گردآوری اطلاعات اولیه»، «تهیه نمونه‌های آزمون»، «انجام آزمایش‌ها» و غیره خودداری شده و لازم است در هر مورد توضیحات کامل در رابطه با منابع و مراکز تهیه داده‌ها و ملزومات، نوع فعالیت، مواد، روش‌ها، استانداردها، تجهیزات و مشخصات هر یک ارائه گردد) *

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی خواهد بود و از لحاظ شیوه گردآوری اطلاعات، به دلیل وجود دو گروه کنترل و آزمایش، از نوع مطالعات تجربی در نظر گرفته خواهد شد. با توجه به اینکه مرحله دوم نمونه‌گیری به صورت گزینشی انجام خواهد شد و آزمودنی‌ها به صورت تصادفی در گروه‌ها قرار نخواهند گرفت، طرح پژوهشی به عنوان یک تحقیق شبه آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون همراه با گروه کنترل در نظر گرفته خواهد شد.

۲. جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه (در صورت وجود و امکان)

جامعه آماری پژوهش شامل معتادان مراجعه کننده به کلینیک های ترک اعتیاد شهر اراک است که در بازه زمانی ۱۵ اسفند ۱۴۰۲ تا ۱۵ فروردین ۱۴۰۳ دوره سم زدایی را با موفقیت به انجام رسانده و تحت درمان نگهدارنده با متادون نبوده اند.

۳. شرح کامل روش (میدانی، کتابخانه ای) و ابزار (مشاهده و آزمون، پرسشنامه، مصاحبه،

فیش برداری و غیره) گردآوری داده ها

در این پژوهش، برای جمع آوری داده های مرتبط با متغیرهای تحقیق، از دو ابزار استاندارد استفاده خواهد شد:

- مصاحبه شاخص درمان مواد افیونی (Opioid Treatment Index - OTI)
- پرسشنامه سلامت عمومی (General Health Questionnaire - GHQ)

۴. روش ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده ها

برای خلاصه سازی اطلاعات دو گروه، از روش های آمار توصیفی استفاده خواهد شد و سپس برای بررسی فرضیات پژوهش، روش تحلیل کوواریانس چندمتغیره به کار گرفته خواهد شد. از آنجا که طرح پژوهش از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه گواه خواهد بود، تحلیل کوواریانس که میانگین ها را پس از تعدیل نمرات پیش آزمون مقایسه می کند، مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این روش به عنوان یکی از مناسب ترین تکنیک های آماری در این گونه طرح های پژوهشی، به تحلیل دقیق تر اثر مداخله بر متغیرهای وابسته کمک خواهد کرد

جدول زمانبندی مراحل اجرا :

عنوان فعالیت	ماه شروع	ماه پایان	مدت اجرای هر مرحله (ماه)	ترتیب	تغییر ترتیب	ویرایش	حذف
مطالعات کتابخانه ای	۱	۲	۱	۱	↓		
جمع آوری اطلاعات	۲	۳	۱	۲	↓↑		
تجزیه و تحلیل داده ها	۳	۴	۱	۳	↓↑		
نتیجه گیری و نگارش پایان نامه	۳	۵	۲	۴	↓↑		
تاریخ دفاع نهایی	۵	۶	۱	۵	↓↑		
طول مدت اجرای تحقیق	۵	۶	۱	۶	↓↑		

۱۳. فهرست منابع و مآخذ (فارسی و غیر فارسی)

منابع فارسی

۱. باقری نیا، الهام، صف آرا، مریم، کرمی، ابوالفضل، و مکوندحسینی، شاهرخ. (۱۴۰۱). تعیین اثربخشی درمان حل مسئله مدار (راه حل محور) بر ابعاد معنوی، شناختی، رفتاری و هیجانی سلامت روان شناختی معتادان. پژوهش در دین و سلامت، ۸(۲)، ۱۴۰-۱۴۹.
۲. پاکزاد، سمیه، (۱۴۰۰) بررسی اثربخشی نوروفیدبک بر اضطراب و کیفیت زندگی افراد معتاد مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد شهرستان سیرجان، هفتمین کنفرانس بین المللی دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران، تهران.
۳. جربان، منصوره، و نجفیان پور، بانودخت. (۱۴۰۱). مقایسه سلامت روان در دو گروه ترک اعتیاد به شیوه خودیاری و متادون درمانی. ایده های نوین روانشناسی، ۱۵(۱۹)،
۴. جیلانچی، پریرسا. تبریزی، مهدی. (۱۴۰۲) مقایسه اثربخشی درمان شناختی-رفتاری مبتنی بر ذهن آگاهی و درمان تحریک الکتریکی مستقیم فراقشری مغز (tDCS) بر اختلالات اجرایی، تعادل عاطفی و ولع مصرف داوطلبان ترک اعتیاد، مقاله پژوهشی

۵. غیاثی، نجمه . حاجی محمدباقر، سمانه. (۱۴۰۰) اثربخشی نوروفیدبک آلفا/تتا افراد وابسته به مورفین و نوروفیدبک در اعتیاد، همایش ملی تربیت بدنی و علوم ورزشی با محدودیت در فعالیت های بدنی در زمان شیوع ویروس کرونا، قوچان.
۶. فاضلی؛ ندا. سلیمانی فارسانی؛ سعید. (۱۴۰۱). اثربخشی روایت درمانی بر سرمایه روان شناختی و حس انسجام همسران افراد در حال ترک اعتیاد، نشریه اعتیاد پژوهی « دوره ۱۶، شماره ۶۴.
۷. فرانک قاسمی جونقانی. (۱۴۰۲). اثربخشی شفقت درمانی بر میزان سلامت عمومی و هوش هیجانی معتادان در حال ترک در کمپ شهرکرد. آسیب های اجتماعی کودک و نوجوان - شماره ۴۲
۸. قنایان، مه تا، (۱۴۰۲)، تاثیر مواد مخدر و اعتیاد بر سلامت روان، دوازدهمین کنفرانس ملی پژوهش های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، شیروان،
۹. کافی هرناشکی، همایون. احدی، حسن. (۱۴۰۰). ترکیب مداخلات روان درمانی پویشی فشرده کوتاه مدت و روش دوازده قدم در کاهش مکانیسم دفاعی انکار در معتادان در حال بهبودی استان تهران. رویش روانشناسی ۱۰. ۵۳-۶۱.

منابع غیر فارسی

۱. Alghamdi AA.(۲۰۲۳) Cognitive behavioral therapy treatment for drug addiction. J Addict Ther Res.; ۷: ۰۰۵-۰۰۷.
۲. Faridi A, Tareman F, Thatcher RW(۲۰۲۴). Comparative Analysis of LORETA Z Score Neurofeedback and Cognitive Rehabilitation on Quality of Life and Response Inhibition in Individuals with Opioid Addiction. Clinical EEG and Neuroscience.
۳. Gharaibeh, A. A. F., Al-Halalat, K. I., & Aljalabneh, M. N. M. (۲۰۲۲). The effectiveness of a cognitive-behavioral therapy program in reducing the risk of relapse for recovering addicts. Journal of Positive Psychology and Wellbeing, ۶(۱), ۳۳۹-۳۶۵.
۴. Kashfi, N., Ghanifar, M.H., Nasri, M., Dastjerdi, Gh. (۲۰۲۳). The efficacy of acceptance and commitment therapy on the life expectancy and decision-making of recovering addicts. Journal of Psychological Science, ۲۲(۱۲۷), ۱۳۹۷-۱۴۱۴.
۵. Khatiwada, K., & Kim, E. (۲۰۲۴). Exploring The Mental Health Of Individuals In Recovery From Substance Use In Nepal. Educational Administration: Theory and Practice, ۳۰(۴), ۶۱۳۶-۶۱۴۸.

۶. Shareh, H., Bayani, M. (۲۰۲۲). Comparing the effectiveness of Transcranial Direct Current Stimulation (TDCS) and cognitive behavioral therapy on craving, mood, and smoking addiction. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, ۲۴(۶), ۴۲۷-۴۳۲.